

# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله



## بررسی واژگان مشترک زبان مندایی در زبان های فارسی ، عربی ، بختیاری و شوشتری

الهام فرجی بیرگانی<sup>۱</sup>

سهیلا صلاحی مقدم<sup>۲</sup>

### چکیده

زبان قوم مندایی یکی از زبانهای زیر شاخه آرامی و از خانواده زبان های سامی است . منداییان ایران از بیش از دو هزارسال پیش تا کنون در شهرهای اهواز ، شوشتر ، دزفول ، خرمشهر، سوسنگرد ، شادگان و همچنین کرج زندگی می کنند. از آنجایی که تاثیر زبانهای زنده برهم، در مناطقی که گویشوران آن در همسایگی هم بسر برده یا داد و ستد فرهنگی داشته اند، امری اجتناب ناپذیر است، بین زبان مندایی و زبان های بومی اطراف آن یعنی فارسی، عربی ، بختیاری و شوشتری نیز مشترکاتی به چشم می خورد. در این مقاله نویسندگان برآنند تا ارتباط بین این زبان و زبان های ذکر شده بر اساس واژه های مشترک را بررسی کرده و شباهت خط مندایی و آرامی امپراطوری را نیز مورد مطالعه قرار دهند. نتیجه اینکه براساس نظریه هوبشمان در مورد تحول آواها در زبان های هندواروپایی، این واژگان از لحاظ شباهت آوایی و معنایی به چهار دسته: الف ( واژگان کاملا مشابه ب) واژگان مشابه که تنها در یک واکه و یا همخوان تفاوت دارند ، ج) واژگان مشابه که در بیش از یک همخوان و واکه با هم تفاوت دارند و د ) واژگان کمتر مشابه تقسیم بندی شده اند . واژگان مندایی ای که در این تحقیق مورد بررسی قرار داده شده است از آقای سالم چحیلی که خود گویشور زبان مندایی و بومی اهواز است و نیز از کلمات موجود در کتاب "قوم از یاد رفته" اثر سلیم برنجی که شامل واژگان موجود در کتاب گنزا ربا و نیز برخی از واژگان رایج زبان مندایی می باشد، گرفته شده است . شایسته بیان اینکه یکی از نگارندگان خود گویشور گویش بختیاری و شوشتری می باشد .

واژگان کلیدی: خط و زبان مندایی، خط و زبان آرامی ، واژگان مشترک ، زبان و گویش های ایرانی، عربی

۱-الهام فرجی بیرگانی ،دانشجوی کارشناسی ارشد زبانشناسی همگانی دانشگاه الزهرا

e.farajibirgani@gmail.com

۲-دکتر سهیلا صلاحی مقدم ،هیئت علمی دانشگاه الزهرا



## ۱. مقدمه

به راستی این مردمان سفید پوش که از گذشته ای دور تا به امروز هر روز به کنار رود کارون می‌آیند ، رو به شمال می ایستند و مراسم مذهبی خود را انجام می‌دهند چه کسانی هستند ؟ از کجا آمده و به چه زبانی سخن می‌گویند؟ آیا این قوم همان پیروان حضرت یحیی یا صابئینی هستند که در انجیل و قرآن از آنان نام برده شده است<sup>۳</sup> ؟ زبان ادبی کتابهای مقدس آنان، واژگان و قواعد آن چیست و چه مشترکات یا شباهت هایی با زبان های بومی دارند ؟

در این تحقیق ریشه و خاستگاه زبان بومی قوم مندایی یا صابئین ( آنچنان که در قرآن از آنها با نام صابئین یاد شده است) و نیز تعدادی از واژگان مشترک این زبان با زبانهای بومی اطراف از جمله فارسی ، عربی ، بختیاری و شوشتری در چهارچوب نظری هوبشمان<sup>۱</sup> در مورد تغییر واژگان در زبانهای هندو اروپایی ، بررسی شده است . طبق نظر هوبشمان برخی از واژه های امروزی منشعب از هندو اروپایی، حتی بعد از گذشت چندین هزار سال با شکل اولیه خود تفاوت چندانی ندارند . برخی از واج های واژه های هند و اروپایی در زبان های منشعب آن یا به واج گونه های معادل خود بدل شده اند و یا یکی از واج های خود را از دست داده اند ،

۳-انجیل : لوقا: ۱۹-۵ ) ، لوقا: ۱(۸۰-۵۵) ، لوقا: ۳(۱۸-۱) ، مرقس ۶(۲۹-۱۴) ، مرقس: ۱(۸-۱) ، متی ۱۱(۱۹-۲) متی ۱۴(۱۲-۱) ، لوقا: ۷(۳۵-۱۸) ، لوقا: ۹(۹-۷) ، متی ۳(۱۲-۱)

آیه ۶۲ سوره بقره : ان الذين امنوا و الذين هادوا و انصرى و الصبين من امن بالله و اليوم الاخر و عمل صالحا فلهم اجرهم عند ربهم و لا خوف عليهم و لا هم يحزنون

آیه ۲۷ سوره حج: ان الذين امنوا و الذين هادوا و اصابيين و النصارى و المجوس و الذين اشرکوا ان الله يفصل بينهم يوم القيمة ان الله على کله شى شهيد .

آیه ۶۹ سوره مائده: ان الذين امنوا و الذين هادوا و الصابيون و النصارى من امن بالله و اليوم الاخر و عمل صالحا فلا خوف عليهم و لا هم يحزنون



برخی دیگر از واژه‌ها هم، ریشه اولیه خود را با اندک تغییری حفظ کرده‌اند که البته پسوند‌هایشان متفاوت است. تعداد بیشماری از واژه‌های فارسی نو هم نسبت به واژه‌های دیگر زبان‌های هند و اروپایی تغییرات بیشتری کرده‌اند (هوشمان، ۱۳۸۲: نقل به مضمون ۴۴-۴۰). بر این اساس واژگان مورد بررسی در این پژوهش از لحاظ شباهت آوایی و معنایی به چهار دسته واژگان الف) کاملاً مشابه، ب) واژگان مشابه که تنها در یک واکه و یا همخوان تفاوت دارند، ج) واژگان مشابه با تفاوت در بیش از یک واکه یا همخوان و د) واژگان کمتر مشابه تقسیم‌بندی شده‌اند.

با آنکه جمعیت قوم مندایی ایران ۲۵۰۰۰-۱۰۰۰۰ نفر تخمین زده شده است، اما در اهواز تنها خانواده چحیلی<sup>۲</sup> هستند که به این زبان تسلط دارند و به آن تکلم می‌کنند. واژگان عربی مورد بررسی در این تحقیق از خانم محمودی و خانم وهیبه که هر دو گویشور زبان عربی و بومی اهواز هستند پرسیده شده است. واژگان مندایی نیز از کتاب قوم از یاد رفته اثر سلیم برنجی که شامل واژگان موجود در کتاب گنزا ربا و برخی از واژگان رایج در زبان مندایی می‌باشد و نیز از آقای سالم چحیلی که خود گویشور این زبان و بومی اهواز می‌باشد گردآوری شده است. در همین جا از استاد سالم چحیلی، به خاطر حسن نیت، صبوری و حوصله شگفت‌انگیزشان در تصحیح و گردآوری داده‌ها فروتنانه سپاس‌گذاری می‌کنم که اگر یاری ایشان نبود گام‌های لرزان من در این مسیر هیچگاه به سرانجام نمی‌رسید.

از آنجایی که زبان هر قوم و ملت آینه‌ی تفکر و فرهنگ آن ملت است، شاید بهتر باشد پیش از پرداختن به زبان این قوم خاموش، اندکی با پیشینه تاریخی و فرهنگی آنها آشنا شد. چرا که بدون داشتن این دو ابزار، بررسی دقیق و علمی تغییرات یک زبان میسر نیست.

## ۲.۱. منداییان:



منداییان قومی آرامی می‌باشند که محل سکونت اولیه‌ی آنان مصر و فلسطین قدیم بوده است. منداییان را می‌توان از اولین آوارگان فلسطینی بشمار آورد که نزدیک دو هزار سال قبل بر اثر برخورد با اقوام دیگر منطقه مجبور به مهاجرت از آنجا شدند، آنان از فلسطین و بویژه کناره‌های رود اردن به سوی شمال سوریه و بین‌النهرین و سپس خوزستان که در حوزه‌ی حکومت اشکانیان واقع بود کوچ کردند (برنجی، ۱۳۶۸: ۱۶). این مهاجرت تحت حمایت اردوان سوم اشکانی صورت گرفته است. امروزه منداییان ایران در جنوب، در بعضی از شهرهای خوزستان همچون اهواز، شوشتر، دزفول و خرمشهر و کرج زندگی می‌کنند.

در مورد ریشه کلمه مندایی عقاید مختلفی است، عده‌ای معتقد هستند که "کلمه مندایی از مندا گرفته شده که به معنای دانش و معرفت است. آنها پیروان این دین را منداییان می‌نامند. بدین ترتیب که مندا واژه‌ای آرامی و اسم صفت می‌باشد و از دو جز تشکیل شده است: جز اول صفت مندا به معنی دانش و معرفت است و جز دوم همان یای (ی) نسبت می‌باشد. بنابراین مندایی به کسی گفته می‌شود که صاحب معرفت الهی و نیز علم و دانش باشد" (برنجی، ۱۳۶۷: ۴۲).

عده‌ای دیگر که منداییان را ماندییان می‌نامند معتقد هستند "کلمه مندایی همان ماندایی یا مادی است، همزمان با هجرت یهود از مصر به کنعان، مانداییان به مصر آمدند، اما بعد از آن به دلیل آزار و اذیت یهود از کنعان به سمت شمال سوریه حرکت کرده و در کناره‌ی رود فرات و دجله که جزو قلمرو مادی و آمادی بود ساکن شدند" (ماتسوخ، ۱۳۶۷: ۸).

نام دیگر منداییان، صابئین یا صابئون است که در قرآن کریم هم سه بار با همین نام از آنان یاد شده است. مردم خوزستان نیز در زبان عامیانه آنها را صابئین یا صبی می‌نامند که البته صبی صورت مفرد آن است.



واژه ی صابثین از کلمه آرامی صوا (sava) به معنی تعمید، اشتقاق یافته است. زیرا اعراب با استفاده از کلمه فوق یعنی (صوا) به منداییان که مراسم تعمید خود را همیشه در آب جاری انجام می دهند، صفت تعمیدگری نسبت داده و آنها را صبی یعنی صاحب تعمید نامیدند و برای جمع بستن این کلمه به آن (ی، ن) و (و، ن) اضافه کرده و منداییان را صابثین و صابثیون نامیدند (همان)

صابثین قومی یکتا پرست وازپیروان حضرت یحیی تعمید دهنده هستند. آب در آیین آنها بسیار مقدس شمرده می شود و با زندگی معنوی آنان پیوندی ناگسستنی دارد، چنانچه در بوته های (آیه) از کتاب گنزا ربا آمده است:

"رسوم من با آتش و با روغن و تدهین کردن انجام نگرفته، بلکه رسومم با آب جاری و پاک که بفرمان حق تعالی برای نظافت انسانها و حیات بخشیدن به آنان جاری گشته انجام می گردد. آبی که قدرت انکار ناپذیر در تطهیر من از هرگونه ناپاکی های مادی و معنوی دارد (گنزا ربا: ۴).

آب در مهمترین مناسک و مراحل زندگی یک شخص مندایی از رشامه ۵ و براخه ۶، تولد نوزاد تا مراسم ملواشه ۷، غسل تعمید و اعیاد، ترمیده شدن ۸، ذبح، ازدواج و مرگ و ... نقشی مهم و اساسی دارد. غسل تعمید یکی از مهمترین اعمال منداییان و اساس دین آنها است، به همین دلیل منداییان همیشه در مناطق گرمسیری و دارای رودخانه زندگی می کنند، تا بتوانند در تمام فصول سال برای انجام مراسم خود به آب دسترسی داشته باشند. کتابهای مقدس منداییان عبارتند از: کتاب گنزا ربا (کتاب دینی اصلی) سیدرا اد نشماتا ۹، ادراشی اد یهیا (تعالیم یحیی) ۱۰، سیدرا اد مصوتا ۱۱، انیانی (دعا) ۱۲، قلستا (ازدواج در) ۱۳، اسفر ملواشی ۱۴، قماها ۱۵، الف تر سرشیا له (هزار و دوازده سوال) ۱۶، که در هر کدام جداگانه در مورد موضوعات خاصی صحبت شده است.



## 2. پیشینه پژوهش:

در زمینه دین و آیین مندایی تا کنون در داخل و خارج ایران بایان نامه و مقالات بسیاری انجام شده است، اما در مورد خط و زبان این قوم آثار بسیار کمی وجود دارد.

"اولین فعالیت های زبان‌شناسانه در جهت شناخت زبان و خط مندایی توسط پیترمن ۱۷ در قرن ۱۹ شروع شد. وی با تسلط بر زبانهای پهلوی و فارسی و عبری ریشه های مشترک بعضی از کلمات مندایی را کشف کرد و کتاب گنزا را به زبان مندایی حاشیه نویسی و چاپ کرد.

پس از پیترمن، نولدکه ۱۸ در ۱۸۹۵ کتاب دستور زبان مندایی را نوشت و بسیاری از واژه های عبری و مندایی و سریانی را با هم مقایسه کرد.

بعد از آن در سال ۱۹۰۴ یوتینگ ۱۹ نسخه هایی از کتاب مقدس قلستا و دیوان اباثر ۲۰ را منتشر کرد که از ترجمه های پیشین موجود روان تر بود. وی جدولی از حروف الفبا و زبانهای آرامی در ۱۸۹۰ منتشر و با بررسی مقایسه ای زبانها و لهجه های آرامی، روشی نوین و ماندگار را ایجاد کرد.

در سال ۱۹۶۳ "اثل استیفا دراور ۲۱ به کمک ماتسوخ نخستین فرهنگ نامه ی زبان آرامی مندایی با کمک شیخ نجم (روحانی عالی رتبه مندایی) متون کتابهایی همچون اسفرملواشه، قلستا، هزار و دوازده سوال، انیانی، سیدرادنشماثا، دیوان اباثر را ترجمه و نیز طومارهای (شرح قابین ادشیشلام ۲۲) ترجمه و آوانگاری کرد" (نقل به مضمون، عباسی ۹۰).

"در سال ۱۹۳۷ کتاب منداییان ایران و عراق را در دانشگاه آکسفورد به چاپ رساند" (حزباوی زاده، ۹۰). بعد از آن، رودولف ماتسوخ، در سال ۱۹۹۱ کتاب (لهجه اهوازی در زبان مندایی) را با کمک چحیلی تالیف و بعد از آن فرهنگ لغات مندایی را تدوین و ارتباط آوانگاری زبان



پهلوی و فارسی و عبری با زبان مندایی و سیر تحول وازه های مندایی در کتابت و محاوره را تشریح کرد.

در سال ۱۳۷۲ پرفسور یورون جاکوبسن باتلی ۳۳ که با مطالعه ی تمامی نوشته های دراور که توسط دختر دراور در اختیار وی قرار گذاشته شده بود شناخت کاملی از خط و زبان مندایی داشت، به ایران آمد و در نشستی در دانشگاه شهید بهشتی به تبادل اطلاعات زبانی خود پرداخت.

ایران نیز اشکنداد ۲۴ شیخ سالم چحیلی فعالیتهای زبانشناسانه مهمی همچون نگارش نسخه دستی کتاب درفش به زبان مندایی (۱۳۶۱) با همکاری فرهان کچیلی ۲۵ و تدوین کتاب های او ۲ و ۳ تدریس خط و دستور زبان مندایی (۱۳۶۱)، ترجمه کتاب انیانی (وضو و نماز) ۱۳۶۲ و کتاب سیدراد نشماتا (روانها) از زبان مندایی، نگارش کتاب لوفانی ۲۶ و دخترانی ۲۷ (۱۳۸۰) و تکمیل مجموعه هفت جلدی درفش (۱۳۹۲) در زمینه خط و زبان مندایی انجام داده‌اند. وی تا به امروز با شرکت و ارائه مقالاتی در کنفرانس های دانشگاه هاروارد (۱۹۹۷)، آکسفورد (۱۹۹۷) دانشگاه لهستان (۱۹۹۸) و دانشگاه استکهلم، دانمارک و هلند (۱۹۹۸) نقش بسزایی در معرفی و شناخت خط و زبان مندایی داشته است.

### ۳. خط و زبان مندایی

زبان مندایی یا صبی از شاخه‌های آرامی بابلی است (ماتسوخ، ۱۳۲۹). خط مندایی بطور مستقیم از خط آرامی مشتق شده و از آسانترین و کامل‌ترین خطوط سامی است، زیرا برخلاف سایر خطوط سامی که فقط حروف بی صدا را می‌نویسند، در خط مندایی حروف را با صدا می‌نویسد و به این جهت این خط کاملاً آوانگار است (ابوالقاسمی: ۱۳۹: ۱۰۴).

### شبهت خط امپراطوری آرامی و خط منداییان:





### ۱.۳ خط مندایی :

الفبای مندایی از ۲۳ حرف (۲۱ همخوان و ۲ واکه) تشکیل شده است و نوشتن آن از راست به چپ و به شرح زیر است. ( چحیلی، ۱۳۹۲). همانطور که در جدول زیر مشاهده می‌کنید زبان فارسی و عربی در نگارش حروف ب، ط، ص، س، ل، ق بسیار شبیه به زبان مندایی رفتار می‌کند.

### ۴. خط و زبان آرامی

آرامیان آرامی زبان ساکنان قدیم سرزمین آرام بوده‌اند. این سرزمین احتمالاً از مرزهای غربی بابل تا ارتفاعات آسیایی غربی و شرقی دریای مدیترانه امتداد داشته است. چنین می‌نماید که آرامیان بیش از ۱۲۰۰ پیش از میلاد از نواحی شمالی عربستان کنونی به سوریه و امروز و نواحی غربی بین‌النهرین وارد شده و در حدود قرن دهم پیش از میلاد، چندین دولت شهر در این نواحی تاسیس کرده باشند (صفوی، ۱۳۹۱: ۳۴).

آرامی در اوایل دوره ی مسیحت به دو گروه ممتاز از یکدیگر تقسیم شدند :

- ۱) گروه غربی : تدمری، نبطی، فلسطینی مسیحی و آرامی یهودی (زبان تلمود اورشلیمی) را شامل می‌شده است. امروز در چند دهکده از سوریه به آرامی غربی صحبت می‌کنند.
- ۲) گروه شرقی که سریانی، مندایی و آرامی یهودی (زبان تلمود بابلی) را در بر می‌گرفته است. امروزه آرامی شرقی در میان یهودیان ایران و عراق و منداییان و مسیحیان نستوری (یا آسوری) و کاتولیک یا کلدانی رایج است که با سقوط هخامنشیان آرامی همچنان در میان ایرانیان رواج داشت" (ابولقاسمی، ۱۳۹۲: ۱۰۰).



سنت استفاده از زبان و خط آرامی در دوره ی بعد از هخامنشی نیز در میان اقوام ایران و مناطق مجاور تا ماوراء قفقاز در شمال غربی ، و هندوستان در شرق حفظ شده بود . وجود کتیبه های آرامی آرتاکس اول پادشاه ارمنستان در منطقه دریاچه سوان (گگچه)، کتیبه آرامی آشوکا (نیمه قرن سوم ق م) در تاکسیلا ، کتیبه ی دو زبانه ی یونانی - آرامی دیگر از همو در قندهار و تعدادی نوشته های دیگر موید این امر است .

قدیمیترین سند در مورد اینکه خط آرامی از چه زمان برای نخستین بار برای نوشتن زبانهای ایرانی به کار می رود کتیبه ای است که بر گور داریوش اول در نقش رستم کنده شده و تاریخ آن حداکثر به ۲۸ ق م، بر می گردد (ارانسکی، ۱۳۷۸: ۷۵-۷۴). نظام نوشتاری آرامی را باید آوایی دانست این خط آوایی به دلیل اینکه تنها برای نگارش همخوان های نشانه خطی داشت ، خط همخوانی به حساب می آید . این خط از راست به چپ نوشته می شده است (صفوی، ۱۳۹۱: ۳۵).

#### ۵. مقایسه ی حروف الفبای زبان مندایی و حروف الفبای آرامی امپراطوری:

همانطور که در جدول زیر مشاهده می کنید خط مندایی در نگارش بعضی از آواها مانند: /d/، /r/، /l/، /m/، /z/، حروف نوشتاری بسیار مشابه به خط آرامی امپراطوری دارد.

حروف نوپسی	a	b	g	d	h	w	z	h	T	y	k	l	m	n	s	p	ç	š	Q	r	š	T
آرایی امپراطوری	א	ב	ג	ד	ה	ו	ז	ח	ט	י	כ	ל	מ	נ	ס	פ	צ	ש	ק	ר	ש	ת
مندایی	א	ב	ג	ד	ה	ו	ז	ח	ט	י	כ	ל	מ	נ	ס	פ	צ	ש	ק	ר	ש	ת



## ۶. بررسی واژگان مشترک زبان مندایی:

واژه‌های زبان مندایی و عربی بر اساس ویژگی‌های تلفظی در چهار دسته (۱) واژگان کاملاً مشابه (۲) واژگان مشابه که تنها در یک واکه و یا همخوان تفاوت دارند ، (۳) واژگان مشابه که در بیش از یک همخوان و واکه با هم تفاوت دارند و (۴) واژگان کمتر مشابه ، تقسیم بندی می شوند.

### ۱.۶. واژگان موجود در زبان عربی عامه :

#### ۱.۱.۶. واژگان کاملاً مشابه :

فارسی	مندایی	تلفظ	عربی عامه	تلفظ
بلوط	بلودا	balodā	بلودا	balodā
صندلی	کرسی	kursi	کرسی	kursi
توپ	تبها	tabhā	تبها	tabhā
خیر	لا	lā	لا	lā
روزه	صوم	som	صوم	som
این	هاذن	hāzen	هاذن	hāzen

سه دسته دیگر واژگان حاصل فرآیندهایی چون کاهش ، افزایش ، تبدیل و جابه جایی می باشند که هر کدام از این فرآیندها خود انواع مختلف دارند، گاهی واژه ها می توانند حاصل چند فرآیند همزمان هم باشند .



## ۲.۶. واژگان مشابه با تفاوت در یک واکه یا همخوان:

واژگانی که در این دسته هستند می‌توانند حاصل فرآیند کاهش، تبدیل و یا افزایش باشند که خود انواع مختلف دارد.

### ۱.۲.۶. کاهش:

واژگان مشابه با تفاوت در یک واکه، حاصل از کاهش واکه یا همخوان پایانی:

اگر کلمه‌ای در فارسی باستان به واکه‌ی  $\bar{a}$  ختم شود در دوره‌ی میانه این مصوت پایانی حذف می‌شود.

می‌شود (باقری، ۱۳۸۰: ۱۷). در این نوع کاهش که تنها با حذف یک همخوان یا واکه‌ی پایانی همراه است، کلمه باقی مانده بدون هیچ گونه تحول آوایی در زبان عربی استفاده می‌شود:

تلفظ	عربی عامه	تلفظ	مندایی	فارسی
tabl	طبل	tablā	طبلا	طبل
tin	طین	tinā	طینا	گل رس
rumān	رمان	rumānā	رمانا	انار
zaki	ذکی	zakiyā	ذکیا	پاک
umy	عمق	umyā	امقا	ژرف، عمق
tofān	طوفان	tofāni	طوفانی	طوفان
dela	دل	delal	دلل	راهنما شد

### ۲.۲.۶. افزایش:

همانطور که در واژه های زیر مشاهده می شود این تفاوت می تواند به دلیل اضافه شدن یک واکه یا همخوان به آخر و یا میان واژه نیز باشد :

تلفظ	عربی عامه	تلفظ	مندایی	فارسی
awlād	اولاد	awlā	اولا	جنین
arbaʔin	اربعین	arbin	اربین	چهل
habat	هبط	habt	هبط	سقوط کرد

### ۳.۲.۶. تبدیل

این تفاوت می تواند حاصل فرایند تبدیل یک واج به واج دیگر هم باشد که در دو دسته تبدیل الف) واکه به واکه ی دیگر ، ب) همخوان به همخوان دیگر و ج) تبدیل واکه به همخوان بررسی شده است .

**الف) تبدیل یک واکه به واکه دیگر :** همانطور که مشاهده می شود ، در موارد موجود در جدول ، یک واکه به واکه ی دیگر تبدیل شده است :

تلفظ	عربی عامه	تلفظ	مندایی	فارسی
barā	برا	bare	بر	بیرونی
kabir	کبیر	kabar	کبر	بزرگ
zavā	ضوا	zivā	زیوا	درخشش
nexāle	نخاله	nexālā	نخالا	سبوس_نواله



riha	ریحه	rihā	ریها	یو
------	------	------	------	----

### ب) تبدیل یک همخوان به همخوان دیگر

یکی از موارد دگرگونی واج h زمانی است که در آغاز واژه قرار بگیرد و صوت بعدی آن واکه ی u باشد. در این صورت h بدل به x می شود. (همان: ۱۵۷). همانطور که مشاهده می شود در واژه ی هوسران بدلیل اینکه واج قبل از واکه ی u آمده، تبدیل به همخوان x شده است:

xusrān	خسران	husrān	هوسران	زیان
--------	-------	--------	--------	------

صوت t در فارسی جدید یا بازمانده این صوت از فارسی باستان است و یا صورت تحول یافته صوت است (همان: ۱۱۵):

θorā	ثورا	torā	تورا	گاوتر
------	------	------	------	-------

اصوات x موجود در زبان فارسی جدید یا بازمانده x فارسی باستان و یا واجگونه ای از k دوره ی میانه می باشد و یا صورت تحول یافته واج h باستانی هستند (همان: ۲۴۴). که در اینجا عکس آن یعنی تبدیل همخوان x به k اتفاق افتاده است:

akel	اکل	axel	اخل	می خورد
------	-----	------	-----	---------

پ) تبدیل واکه به همخوان: در واژه ی زیر بنظر می رسد واکه ی پایانی a به همخوان z بدل شده است:



زمین	ارا	arā	عرض	arz
------	-----	-----	-----	-----

### ۳.۶. واژگان مشابه با تفاوت بیش از یک واکه یا همخوان :

این تفاوت هم می‌تواند به دلیل فرایندهای کاهش (که خود انواع گوناگون دارد)، افزایش و یا تبدیل باشد .

#### کاهش:

۱.۳.۶. کاهش همراه با حذف یک مصوت پایانی که در اکثر موارد با تغییر واج همراه است :

واکه ā اگر در میان کلمه باشد، در طول سه دوره به واکه های دیگر از جمله a,e,u بدل می‌شود ( همان: ۲۸)

در واژه ی نساخا با حذف واکه ی پایانی ā، واکه ی e تبدیل شده است :

رونویسی	نساخا	nesāxā	نسخ	nesex
---------	-------	--------	-----	-------

در واژه ی طحالا با حذف واکه ی پایانی ā، اولین واکه ā واژه به e تبدیل شده است:

طحال	طهالا	tahālā	طحال	tehāl
------	-------	--------	------	-------

در هر دو واژه ی زنگا و طوما با حذف واکه ی پایانی ، واکه ی u به ā تبدیل شده است:

زنگ	زنگا	zungā	زنگ	zang
چشیدن	طوما	tumā	طعم	tam



۲.۳.۶. این نوع کاهش با حذف واکه ی پایانی همراه و تبدیل یک همخوان به همخوان دیگر همراه است .

h در تحول ممکن است به X بدل شود (همان: ۱۶۱). در واژه آها ، با حذف واکه ی پایانی تبدیل همخوان h به همخوان X صورت گرفته است :

برادر	آها	āhā	اخ	ax
-------	-----	-----	----	----

اگر واج v فارسی (باستان ) هندو اروپایی در فارسی نو پیش از واکه های i, iy, e, a, ā به b تبدیل می شود(هوبشمان، ۱۳۸۶: ۱۳۱). کاهش در واژه ی کداوا با حذف واکه ی پایانی و تغییر واکه ی a به e و نیز تغییر دو همخوان d به t و v به b صورت گرفته است :

نوشتن	کداوا	Kedāvā	کتب	keteb
-------	-------	--------	-----	-------

در واژه های زیر علاوه بر تبدیل واکه ای و کاهش واکه ی پایانی و تبدیل همخوان تبدیل d به Z صورت گرفته است :

نذر کردن	نیدرا	nidrā	نذر	nazr
گوش	ادنا	udnā	اذن	ezen





صوت g در واژگان جدید یا بازمانده ی واج g باستانی است یا صورت تحول یافته k می - باشد (باقری، ۱۳۸۰: ۲۳۴) در واژه ی گطلا با حذف واکه ی پایانی تبدیل همخوان g به k صورت گرفته است:

قتل	گطلا	getlā	کطل	ketel
-----	------	-------	-----	-------

گاهی کاهش با حذف جزء پایانی همراه است که جزء باقی مانده می تواند به دو صورت بدون تغییر آوایی یا با تغییر آوایی همراه باشد.

### ۳.۳.۶. کاهش جز پایانی :

#### الف) بدون تغییر آوایی :

کاهش در رویانا و هیوا و بونخا، دمهتا با حذف جزء پایانی همراه است واژه باقی مانده بدون هیچ گونه تغییری استفاده می شود :

خیال	رویانا	ruyānā	رویا	ruyā
حیوان	هیوا	heyān	حی	hæy
اشک	دمهتا	demhesā	دمع	dema
ریشه	بونخا	bonxā	بن	bon

#### ب) همراه با تغییر آوایی :

در واژه ی یمیندا با کاهش یک جز پایانی dā، و تبدیل واکه a و i، به واکه e همراه است :

راست	یمیندا	yaminda	یمن	yemen
------	--------	---------	-----	-------

در واژه های کمرتا و گبروتا به ترتیب حذف جز پایانی *otā* و *tā* اتفاق افتاده که با تغییر واکه ای *a* همراه بوده است :

geber	گبر	gabarutā	گبروتا	بزرگی
kumr	کمر	kamartā	کمرتا	بازگشت

### ۴.۳.۶. کاهش آغازین :

در این نوع کاهش یک واکه یا جزء آغازین واژه حذف شده است. این تغییر می‌تواند با کاهش پایانی، یا با قرار گرفتن یک واکه بین دو همخوان بعد از واکه ی آغازین هم همراه باشد. در پاره ای از کلمات فارسی جدید که با واکه آغاز شده اند و بلافاصله پس از *ā* دو واج همخوان وجود دارد، ممکن است *ā* حذف شود، که در این صورت میان دو همخوان که در آغاز کلمه قرار می‌گیرند یک واکه افزوده می‌شود (همان: ۱۸)

### الف) کاهش واج آغازین :

در واژه ی الما با حذف واکه ی آغازین بین دو صامت *m* و *l* واکه ی *e* قرار گرفته است :

lema	لما	elmā	الما	چرا
------	-----	------	------	-----

در واژه ی ایدا با حذف واکه ی آغازین و پایانی یک واکه *a* بعد از واکه *y* قرار گرفته است :

yad	ید	eidā	ایدا	دست
-----	----	------	------	-----

**ب) کاهش جزء آغازین :**

در واژه ی ارغز جزء آغازین ar حذف شده و جز ab به آن افزوده شده است :

عصبانی شد	ارغز	aryaz	غضب	yazab
-----------	------	-------	-----	-------

در این واژه حذف جزء آغازین em و تبدیل واکه ی a به i اتفاق افتاده است :

درخشان	امزهر	emzahar	زهیر	zahir
--------	-------	---------	------	-------

**۳.۶.۵. کاهش میانی :**

که در آن حذف یک واج از درون واژه صورت می گیرد .

در واژه ی زبنا علاوه بر حذف واکه ی پایانی و تغییر واکه ی e به a و همخوان b نیز از درون واژه حذف شده است .

یک دفعه	زبنا	zebnā	زان	zān
---------	------	-------	-----	-----

در زوادا علاوه بر از حذف واکه ی پایانی a، حذف av در میان واژه نیز صورت گرفته است :

توشه	زوادا	zavādā	زاد	zād
------	-------	--------	-----	-----

۴.۶



#### ۴.۶. تفاوت به علت تبدیل واج‌ها:

برخی از واژه‌ها که صورت فارسی باستان آنها با *d* شروع می‌شود در فارسی میانه و جدید با *Z* شروع می‌شوند (همان: ۱۱۸). در واژه‌ی *دخر* با تبدیل همخوان‌های *d* به *Z* و نیز تبدیل *X* به *k* و نیز تبدیل واکه‌ی *e* به *a* همراه هستیم:

زاد کرد	دخر	dexar	ذکر	zakar
---------	-----	-------	-----	-------

در واژه‌ی *هوس* تبدیل همخوان *s* به *Z* به همراه تغییر واکه‌ای صورت گرفته است:

حوض	هوس	haws	حوض	hoz
-----	-----	------	-----	-----

#### ۵.۶. افزایش:

افزایش می‌تواند بر اساس اضافه شدن یک واج و یا حتی یک جزء باشد. این اضافه شدن در بعضی از موارد با تغییر واکه همراه است.

#### الف) افزایش همراه با اضافه شدن یک واج:

در واژه‌ی *هطا* با اضافه شدن یک همخوان *n* در میان واژه و تغییر واکه‌ی *e* به *a* همراه است:

گندم	هطا	hettā	حنطا	hæntā
------	-----	-------	------	-------

در واژه‌ی *زیتا* اضافه شدن یک همخوان *n* در آخر واژه و تغییر واکه‌ی *e* به *a* همراه است:

زیتون	زیتا	zitā	زیتون	zeyton
-------	------	------	-------	--------



ب) افزایش با یک جزء پایانی یا آغازین باشد :

vila eli	ویلا الی	vili	ویلی	وای بر او
yāhoo	یاهو	ho	هو	کی؟

۶۰۶) واژگان کمتر مشابه :

در این واژگان که حاصل فرآیند جابه‌جایی و تبدیل هستند، بنظر می‌رسد که حروف اصلی واژه جابه‌جا شده و همخوان‌ها و واکه‌ها تغییر کرده‌اند:

فارسی	مندایی	تلفظ	عربی عامه	تلفظ
حصیر	بوری	bori	باریه	bāriyeh
یهودی	هدایا	hadāyā	ایهود	iehod
زانو	برکا	burkā	رکبا	rukbā
مادر	ایم	im	یوما	yomā
ظرف	مانا	mānā	ماعون	māʔon

واژگان فارسی

۱) کلمات کاملا مشابه :

فارسی	تلفظ	مندایی	تلفظ
ناطور	nātor	ناطور	nātor

behdād	بهداد	behdād	بهداد
pati	پتی	pati	پتی

## (2) واژگان مشابه با تفاوت تنها در یک واج:

۱.۱. این تفاوت میتواند به دلیل حذف واکه ی پایانی باشد:

تلفظ	مندایی	تلفظ	فارسی
din	دین	dinā	دینا
zang	زنگ	zangā	زنگا
tanor	تنور	tanorā	تنورا
gon	گون	gawnā	گونا

## (۲) تفاوت در بیش از یک واکه یا همخوان:

۱.۲. کاهش:

این واژگان بیشتر حاصل فرایند کاهش واکه ی آغازین و پایانی q هستند.

صامت **b** آغازی ایرانی باستان ، در ایرانی میانه غربی باقی منده است و **بس** از یک مصوت به **v** تبدیل شده است (ابولقاسمی، ۱۳۸۷: ۸).

Kabed	کبد	Cavdā	کودا
-------	-----	-------	------

در این نوع کاهش با کاهش واکه ی آغازین ،تغییر واکه ای صورت گرفته است :

bahār	بهار	ebhār	ابهار
-------	------	-------	-------

### ۳.۲. افزایش:

گاهی این افزایش با اضافه شدن یک همخوان و در اکثر موارد با تغییر واکه ای همراه است :

تلفظ	مندایی	تلفظ	فارسی
govāreš	گوارش	gawrā	گوارا
došāb	دوشاب	došā	دوشا
durān	دوران	dawrā	دورا
Kāseh	کاسه	Kās	کاس



### ۳. واژگان کمتر مشابه :

در این نوع واژگان شباهت ظاهری کمتری نسبت به سایر واژگان وجود دارد:

فارسی	تلفظ	مندایی	تلفظ
گیمرا	gimrā	گوهر	guhar

### واژگان مشترک د ر گویش بختیاری :

#### ۱) واژگان کاملا مشابه

فارسی	مندایی	تلفظ	گویش بختیاری	تلفظ
بختیار	بختیار	baxtiyār	بختیار	baxtiyār
باید	وا	va	وا	va
قاشق	قاشق	γāčuy	قاشق	γāčuy

#### ۲) واژگان مشابه با تفاوت در یک واکه یا همخوان

که حاصل فرآیند کاهش واکه ی پایانی ā هستند و واژه باقی مانده به همان صورت استفاده می شود :





فارسی	مندایی	تلفظ	گوش بختیاری	تلفظ
بوی بد	زهما	zohmā	زهم	zohm
نخ	تالا	tālā	تال	tāl
بلندی	دلیا	dalyā	دلی	dali

### ۳) واژگان مشابه با تفاوت بیش از یک واکه یا همخوان

در واژه ی تش برق تفاوت در تغییر دو واکه ی u و a می باشد :

رعد برق	تش برق	tušbery	تش برق	tašbary
---------	--------	---------	--------	---------

حذف واکه ی پایانی a همراه با تغییر واکه یا همخوان همراه است :

ترس	هوقا	hoṽā	حوف	hof
کوتاه	گطانا	getānā	گتنه	gateneh

در این واژه تفات در جزء پایانی افزوده شده است va ojla است :

وای بر او	ویلی	vily	ویلی وا اوویلا	vily va oyla
-----------	------	------	----------------	--------------



## واژگان مشترک در گویش شوشتری

### (۱) واژگان کاملا مشابه :

در مجموعه واژگان مورد بررسی در این پژوهش واژه ی کاملا مشابه ای در گویش شوشتری با مندایی یافت نشد ، اما بنظر می رسد که به دلیل مجاورت نزدیک این قوم با مردم شوشتر واژه های مشترکی بین آنها وجود داشته باشد .

### (۲) واژگان مشابه با تفاوت در یک واکه یا همخوان :

در واژه ی لشکا تفاوت تنها در واکه ی پایانی a است :

فارسی	مندایی	تلفظ	گویش شوشتری	تلفظ
شاخه درخت	لشکا	leškā	لشک	lešk

در واژه ی کیلک تفاوت در کاهش واکه های y و e در کلک است :

انگشت	کیلک	Keylek	کلک	kelk
-------	------	--------	-----	------

در واژه ی سلیسا حذف واکه ی پایانی ā و همچنین تبدیل واکه ای a به i و تبدیل واکه a به e اتفاق افتاده است :

سید	سلیسا	salisā	سله	sela
-----	-------	--------	-----	------



در واژه ی پلتی پرزی تفاوت در جز افزوده شده perzi است :

pelet	پلت	peltiperzi	پلتی پرزی	ذره ، خرده ریزه
-------	-----	------------	-----------	--------------------

### نتیجه گیری

با توجه به اینکه زبان مندایی یکی از زبان های زیر شاخه ی آرامی شرقی ست و بنابر اسناد و آثار بجای مانده ، در دوره ی هخامنشی ، آرامی امپراطوری زبان رسمی ایران بوده است و مکاتبات و داد و ستد و مکالمات دربار از طریق این زبان صورت می گرفته و نیز سکونت دیرینه منداییان در جنوب ایران که سابقه ی آن به بیش از دو هزار سال پیش باز می گردد و همچنین با در نظر گرفتن شباهت خط مندایی با آرامی امپراطوری و نیز واژگان مشترک زبان مندایی با زبان های محلی اطراف که در این مقاله بررسی شده است ، بنظر می رسد که زبان مندایی تا حدی بر زبان های مجاور خود از جمله عربی ، فارسی ، شوشتری و بختیاری که زبان مورد تکلم مردم مجاور به شمار می رود ، تاثیر گذار بوده و واژگان بسیاری از این زبان به زبان های در تعامل با آن ، وارد شده که با گذر زمان تحول آوایی یافته اند و کم کم جز واژگان اصلی آن زبان شده اند .

علاوه بر این از آنجایی که تاثیر زبان های زنده بر هم هیچ گاه یک سویه نیست این احتمال می رود که زبان مندایی نیز تحت تاثیر زبان های در همسایگی خود قرار گرفته باشد .

پانوشت:

Hubsghmann, Henrich ۱



- Choheyli, Salem ۲  
Macuch, Rudolf-3  
Genza raba -۴  
۵- وضو  
۶- نماز  
۷- مراسم نام گذاری دینی کودک  
۸- مراسم پذیرفته شدنشخص منداییبه عنوان یک شاگرد روحانی  
Sidra ednešmasa-9  
Edraši edyahya-10  
Sidra ed masosata-1۱  
Aniani-12  
Gelesta -13  
Esfar malvašeh -14  
Gomaha-۱۵  
Alef tera saršialeh-16  
Peterman, Henrich\_۱۷  
Noldeke, Teodor -18  
Yoting-19  
Abaser-20  
Ed gabin-20  
Etel Stefana Drower-21  
Ed ghabin šišlam raba-22  
Jacobsen Buckley, Jorunn-23  
Eshkanda-24



kocheyli-25  
lofani-26  
Dokhrani-27

### منابع:

- ابوالقاسمی ، محسن (1392)، تاریخ زبان فارسی ، تهران: انتشارات سمت
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۹۲)، دستور تاریخی زبان فارسی، تهران، انتشارات سمت اراکسکی  
یوسیف (۱۳۷۸)، (زبانهای ایرانی ، ترجمه علی اشرف صادقی)، تهران، سخن
- برنجی ، سلیم (۱۳۶۷)، قوم از یاد رفته ، تهران: انتشارات دنیای کتاب
- باقری ، مهری (۱۳۸۰)، واج شناسی تاریخی زبان فارسی ، تهران: نشر قطره
- چچیلی، سالم (۱۳۹۲)، جزوه آموزش خط مندایی
- حزباوی زاده، محمد، (۱۳۹۰)، صابین ایران و عراق از منظر یک مستشرق، کتاب ماه و دین ،  
اردیبهشت ، شماره ۳۶، ۱۶۳-۳۱
- عباسی ، حسین (۱۳۹۰)، درباره ی صابین مندایی ، کتاب ماه و دین ، شماره ۱۶۳، اردیبهشت ،  
۱۲-۳۰
- ماتسوخ ، رودلف (۱۳۶۷)، فرهنگ ایران زمین ، جلد ۲
- ماتسوخ ، رودلف ، صابین کیستند؟ ، ماهنامه نور جهان ، کمیته ادبیات مسیحی ، اسفند ۱۳۲۹،  
شماره ۱۴
- یادنامه ی شهید مطهری ، جلد دوم، ص ۶۰-۴۳



هوشمان، هانریش (۱۳۸۶)، تحول آوایی در زبان فارسی، (ترجمه بهزاد معینی، سام)، تهران:  
انتشارات امیر کبیر

# SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

## کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی



مقاله نویسی علوم انسانی

مقاله نویسی علوم انسانی



اصول تنظیم قراردادها

اصول تنظیم قراردادها



آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله

آموزش مهارت های کاربردی در تدوین و چاپ مقاله